

## رسول پویان

### عطر آزادی

در فغانستان تبر در بیخ استبداد زن  
ریشهٔ وحشت بسوزان سنگ بر بیداد زن  
مشت پیروزی بیفکن بر درفشستان ترس  
چون عقاب و شیر میدان چنگ بر فولادزن  
با غزالان عهد و پیمان کن به کهسار وطن  
ناوک دشمن شکن در سینهٔ صیاد زن  
از خلوص دل برای نسل نو سرکن سخن  
با صداقت تیغ دانش در دل شیاد زن  
قرن ها فریاد مردم در گلو زنجیر گشت  
ناله را از دل رها کن بعد ازین فریاد زن  
وحشت طالب نترساند دیگر نسل جوان  
قفل بر دستان خون آلودهٔ جلاد زن  
پای داعش را قلم کن در حریم مملکت  
سنگ بر افراطیون از بلخ تا بغداد زن  
چشمهٔ افکار افراطی به خشکان تا ابد  
پیش ازان میهن بگیرد تیشه بر بنیاد زن  
مار بر دوش تعصب می خورد مغز بشر  
تیغ بر ضحاک همچون کاوهٔ حدّاد زن  
درب زندان بشکن و دام ستم را پاره کن  
عطر آزادی بیفشان حرف عدل و داد زن  
قصه از پاییز و سرمای زمستان تابکی  
تا بهار آید سخن از سنبلی و شمشاد زن  
عشق را دشمن ز دلها می رباید با فریب  
با طریق نو سخن از وامق و فرهاد زن  
دود افراط و تعصب چشم عالم کور کرد

بارش دانش به بار و چشم دل راباد زن  
ذهن دلها را ز تبعیض و عداوت پاک کن  
از مساوات و عدالت گپ با اولاد زن  
از بر بیگانگان سودی نمی آید به کف  
حرف از نور تمدن، همت آزاد زن  
اختیار مملکت را در کف مردم سپار  
خشت استقلال و آزادی توای استاد زن

2016/1/16